در محاصره کرونا، در محاصره رسانه

جوجه‌کُشی در عصر ساک‌پاپت‌ها

حمیدرضا بوالی

بیرون آمدن آدم‌ها در دوران بعد از کرونا ترسناک است، ما در این دوران روز به روز تکه‌تکه‌تر شدیم؛ کلونی‌های علایق انحصاری خودمان را ساختیم و حالا دیگر زندگی با غیرهمسان‌هایمان سخت است.

سال ۱۹۴۶، قبل از ظهور تلفن همراه، تلویزیون‌های بزرگ، کامپیوتر و.... کارل پوپر فیلسوف اتریشی نوشت: «هم اکنون می‌توانیم جامعه‌ای را تصور کنیم که در آن انسان‌ها عملاً با هم رودررو نمی‌شوند و همه کسب و کارها با افرادی پیش می‌رود که در گوشه‌های عزلتشان نشسته‌اند و از طریق تلگراف یا نامه‌های تایپ شده با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و وقتی هم می‌خواهند از جایی به جایی بروند، درون خودروهای سربسته می‌نشینند. می‌توانیم این جامعه خیالی را جامعه تماماً انتزاعی یا جامعه فردزدایی شده بنامیم.»

لحن پیشگویانه پوپر تکان‌دهنده است. آیا او روزگار کرونای ما را دیده بود؟

بیل‌گیتس، جوجه‌کشی و فرار از کلان‌داده‌ها؟

چند سال پیش چالشی به نام «سطل آب و یخ» در فضای رسانه‌های رسمی و غیررسمی به شدت رونق گرفت. آدم‌ها بر روی خودشان سطلی از آب و یخ می‌ریختند و با این کار وجهی پرداخت می‌کردند و به درمان یک بیماری مرموز به نام ASL کمک می‌کردند. خیلی زود، ستاره‌های مشهور دنیای رسانه‌ها به این کمپین پیوستند و سرانجام در فاز اول چیزی در حدود ۱۰۰ میلیون دلار با این حرکت به این بیماران کمک شد.

یکی از جالب‌ترین ویدئوهای منتشر شده در «چالش سطل آب یخ»، متعلق به «بیل گیتس» مالک سابق مشهور و سوپرمیلیاردر شرکت «مایکروسافت» بود. بیل گیتس با یک مهندس ساده، و با استفاده از ابزارآلاتی ساده، سطل آب یخ را جوری تنظیم می‌کرد که بدون کمک کسی به صورت خودکار با کشیدن یک طناب به رویش خالی شود. این حرکت بیل‌گیتس که سابقه‌ای طولانی از کمک‌های مردمی به خیریه‌های مختلف جهان دارد با استقبال وسیعی از سمت مردم در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد.

بیل گیتس قهرمان آن دوره از تاریخ کره زمین بود. این چیزی بود که رسانه‌ها به ما می‌گفتند. با پوشش رسانه‌ای گسترده‌ای هر چند ماه یک بار اخبار متناوبی پخش می‌شد از اینکه او صدها میلیون دلار از درآمد شخصی خودش را صرف امور خیریه کرده است. فقط در یک فقره او ۹۵۷ میلیون دلار به توسعه واکسیناسیون در دنیا کمک کرده است و ۷۵۰ میلیون دلار نیز بابت کمک به ریشه‌کن کردن بیماری سل، ایدز و مالاریا پرداخته است. جمله بسیار مشهوری از «بیل گیتس» هم نقل شده است که منش او را نشان می‌دهد. او اعتقاد دارد: « چه فایده‌ای دارد که همه مردم کامپیوتر داشته باشند، وقتی گرسنه‌ای در جهان وجود دارد و مردم آفریقا بر اثر اسهال خونی در حال مرگ‌اند»

این همه آن چیزی بود که رسانه‌ها به ما می‌گفتند. اما حقایق دیگری هم وجود داشت که پشت پرده همه رسانه‌های جریان اصلی و شبکه‌های اجتماعی پنهان شده بود. بیل گیتس برای اینکه بتواند کمک‌های بیشتری به بیچاره‌ها دهد نیاز داشت که پول بیشتری هم به دست آورد. بر مبنای همین منطق طنزآلود بیل گیتس فرد فوق‌العاده بی‌رحمی بود. او و شرکتش نمونه واضح و حاضر و آماده‌ای از انحصارطلبی در دنیای شرکت‌های تکنولوژیک‌اند. بیل گیتس به وقتش که برسد با بی‌رحمی همه رقبا را از پای درمی‌آورد، آنها را می‌خرد، با بی‌رحمانه‌ترین روش‌های نوین انحصار در دنیای برنامه‌نویسی کار می‌کند، پیچیده‌ترین روش‌های استفاده از نیروی انسانی و فکری کشورهای پیرامون و غارت منابع فکری و طبیعی آنها را به کار می‌گیرد و در مقابل در اتیوپی دست در گردن یک کودک رنجور و قحطی‌زده سیاهپوست می‌اندازد و زندگی او را با کمک‌هایش دگرگون می‌کند.

آیا این ماجرا شباهت زیادی به ماجرای اخیری که در ایران به نام جوجه کشی مشهور شد ندارد؟ با منتشر شدن تصاویر معدوم کردن جوجه‌های یکروزه به یکباره فریادهای واحسرتای بلندی در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بلند شد. آنها به زنده به گور کردن جوجه‌های بیچاره معترض بودند؛ برایشان اشک می‌ریختند و دلسوزی می‌کردند. اما آیا بخش عمده‌ای از کسانی که این گونه به معدوم کردن جوجه‌ها حمله می‌بردند می‌دانستند که این همان چیزی است که منطق زندگی و کسب و کار جدید آنها را شکل می‌دهد: سود بیشتر به قیمت جان؟

آیا بخش عمده‌ای از کسانی که این گونه به معدوم کردن جوجه‌ها حمله می‌بردند می‌دانستند که این همان چیزی است که منطق زندگی و کسب و کار جدید آنها را شکل می‌دهد: سود بیشتر به قیمت جان؟

آیا صفحات روشنفکران و پیروان آنها که در این روزها پر شده بود از واکنش به واقعه جوجه کشی چیزی در این باره هم می‌گفت که این روش دقیقاً شبیه به روش سیاستمدارانی است که آنها عاشقشان هستند و دنبالشان می‌کنند؟ آیا آنها با علم به اینکه این اتفاق ترفند ساده‌ای در دنیای سرمایه محور غربی است به این اتفاق اعتراض می‌کردند؟

آنها چاره دیگری نداشتند و و رسانه‌ها هم کار خودشان را خوب بلد بودند. به خصوص در شرایطی که کرونا، سبک زندگی آدم‌ها را تغییر داده بود و بیش از پیش به رسانه‌ها وابسته‌شان کرده بود. در محاصره کرونا ما هم اکنون در محاصره رسانه‌ها هم قرار گرفته‌ایم و این تنها یک مورد از انحصار توسط رسانه‌هایی است که رویه ظاهرین، هیجان انگیز و عوام‌پسند ماجرا را به هر چیز دیگری از جمله حقیقت ترجیح می‌دهند.

در فضای رسانه زده امروز در ایران جوجه‌کشی جرم بزرگی است و باید به آن اعتراض کرد. اما جرم‌های به مراتب سنگین‌تری دیده نمی‌شود و رویه پنهان جوجه کشی اتفاقاً به صورت مداومی تحسین و تأیید می‌شود. چرا؟ به دو دلیل کاملاً واضح. اول اینکه اعتبار زندگی حقیقی هم اکنون برای ما در دسترس نیست؛ ما به شدت وابسته هستیم به آنچه که در اینستاگرام می‌بینیم و در توئیتر و تلگرام می‌خوانیم؛ زندگی حقیقی حالا دورتر از ما ایستاده است و افق زندگی‌مان محدود شده است به آنچه که در عریان‌ترین شکل ممکن در رسانه‌ها می‌بینیم. و دوم اینکه ما هم اکنون توسط انبوهی از کلان‌داده‌های برساخته و نه حقیقی محاصره شده‌ایم. کلان‌داده‌هایی که امکان فاصله گرفتن و از بیرون نگاه کردن به خودمان و دنیایی که مشغول آن هستیم را نمی‌دهند و ما را نیز به همراه موج‌هایی که خود تولید می‌کنند پیش می‌برند. با وقوع شیوع کرونا و با وابسته‌تر شدن زندگی ما به فضای مجازی و اینترنت، حالا امروز مقاومت در برابر آنچه در فضای مجازی تبدیل به موضوعی داغ شده است بسیار سخت و تا حدی ناممکن شده است. ابزار دیگری برای بحث و گفتگویی متفاوت با آنچه در این فضاها جاری است وجود ندارد و دسترسی به داده‌های فراتر از زندگی روزمره نیز بسیار سخت و از لحاظ ذهنی تشویش‌آمیز شده است.

مسیر جامعه ایران البته به همین سمت بود. در دوران پیش از کرونا نیز از این نمونه‌ها می‌توان یافت. اما ماجرا اینجاست که به دلیل وابستگی تام و کمال به فضای مجازی در این دوران مسئله مقاومت در برابر رسانه‌ها به یکباره با افت شدید قوا و انرژی مواجه شده است. این اتفاق می‌توانست برای جامعه ایران کمی دیرتر و در حالتی خوش‌بینانه با آمادگی بیشتری رخ بدهد و وقوع کرونا باعث پرتاب یکباره جامعه ایران به فضایی دست و پا بسته شد. فضای برساخته‌شدن حقیقت که دیگر کسی گوش به انتزاعیاتی چون آرمان و هدف مشترک و... نمی‌دهد. مسئله‌های جامعه به تدریج همه همه عینی شده؛ روی زمین نشسته و ظاهرین می‌شوند و دیگر هر چیزی بیرون از این سپهر رسانه‌ای گفته شود محل اعتنا نخواهد بود. این سرنوشت نهایی ماست.

به دلیل وابستگی تام و کمال به فضای مجازی در این دوران مسئله مقاومت در برابر رسانه‌ها به یکباره با افت شدید قوا و انرژی مواجه شده است. این اتفاق می‌توانست برای جامعه ایران کمی دیرتر و در حالتی خوش‌بینانه با آمادگی بیشتری رخ بدهد و وقوع کرونا باعث پرتاب یکباره جامعه ایران به فضایی دست و پا بسته شدبه عصر ساک‌پاپت‌ها خوش آمدید

جولای ۲۰۱۲ رسانه‌های غربی گزارش دادند که حقیقت از اینترنت چین حذف شده است! بنا به روایت وبلاگ‌نویس‌های چینی اگر در شبکه اجتماعی محبوب WEIBO که چیزی شبیه به توئیتر است معادل چینی کاراکتر حقیقت را جستجو می‌کردید این پیام ظاهر می‌شد: «بنا بر قوانین، تنظیمات و سیاست‌های مربوط، نتایج جستجوی حقیقت قابل نمایش نیست.»

نکته طنز ماجرا اما اینجا بود که این خبر از سوی گزارشگران غربی روایت می‌شد. همان‌هایی که در معرض اتهام مداوم انحراف حقیقت در عرصه‌ها و بازه‌های زمانی مختلف هستند حالا درباره توقیف حقیقت صحبت می‌کنند. تفاوتی نمی‌کند؛ این سرنوشتی است که با رسانه‌ها برای زندگی همه ما رقم خورده است. پروپاگاندایی علیه پروپاگاندا شاید بهترین تعبیر برای این گزارش رسانه‌های غربی بود و این؛ اتفاق جدیدی نبود. رسانه‌ها تمام قد وارد زندگی ما شده‌اند و حالا تبدیل به ابزارهایی برای نمایش حقیقت، تحریف حقیقت و وارونگی در حقیقت شده‌اند.

بهار عربی، بهار شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر نیز بود. قدرت‌های بزرگ استبدادی با قدمت‌های چنددهه‌ای در مقابل سازماندهی‌هایی توئیتری جمیعت دست ناتوانی بالا برده بودند و توئیتر در اوج نمایش قدرت خویش بود. قدرت تحمیل حقیقت به قدرت. به همین ترتیب گزاره‌های بسیار تکرارشونده درباره اینکه اینترنت ابزاری است که به آدم‌ها اجازه می‌دهد که خودشان دنبال حقیقت بیفتند در فضای سپهر رسانه‌ای دنیا به مراتب مطرح و تکرار شد. اینترنت غولی بود که غول‌های مستبدی چون قذافی و حسنی مبارک را سرنگون کرده بود و حالا با صراحت بیشتری از چیزی به نام حقیقت صحبت می‌کرد. این؛ اما ماه عسلی کوتاه بود. این گزاره‌ها به تدریج با وقوع اتفاقات اجتماعی دیگر مثل جنگ سوریه؛ رسوایی‌هایی رسانه‌ای مربوط به پرونده ایران و... جای خودش را به گزاره‌های موثق‌تری داده است که معتقد است همان طور که اینترنت می‌تواند ابزار کشف حقیقت باشد؛ قدرتمندترین ابزاری است که با آن می‌توان حقیقت را کنترل یا حتی منحرف کرد و اینترنت به دلایل ویژگی‌های مختلفش؛ محملی عالی برای پروپاگانداست و حالا با وجود کرونا و محدود کردن راه‌های دسترسی آدم‌ها به حقیقت این گزاره وثوق بیشتری هم پیدا می‌کند.

یکی از نمونه‌های قابل‌توجه محاصره ما توسط اینترنت و تلاش برای تحریف حقیقت در دوران کرونا؛ رونق گرفتن ساک‌پاپت‌ها هستند. در دورانی که همه گزاره‌های ارزشی قضاوت‌کننده درباره پدیده‌های مختلف توسط اینترنت شکل می‌گیرد، ترسیم می‌شود و به وجود می‌آید ساک‌پاپت‌ها به شدت رونق می‌گیرند. ساک‌پاپت یک اصطلاح اینترنتی است که برای اشاره به یک هویت جعلی آنلاین که کارش این است که مردم را به پذیرش اطلاعاتی خاص وادار کند استفاده می‌شود. در دوران کرونا؛ در دورانی که کسب و کارها به فضای مجازی منتقل شده است و سود و بهره‌وری اقتصادی تا اندازه زیادی به بازخوردهای مخاطبین بستگی دارد؛ ساک‌پاپت‌ها خودش تبدیل به یک تجارت می‌شود.

فرض کنید که صاحب یک رستوران بیرون‌بر چند ساک‌پاپت بسازد و آنها در صفحه‌های عمومی نظرسنجی مربوط به رستوران‌ها دعوت کند تا از این رستوران تعریف و تمجید کنند. یا سوپرمارکت‌هایی که ساک‌پاپت‌ها آنها را در رساندن محصول بسیار سریع معرفی می‌کنند و یا حتی نویسندگان و فیلمسازان که با اسم مستعار زیر محصول خودشان در سایت‌های پخش اینترنتی نظر مثبت می‌گذارند تا مخاطبان را ترغیب به خرید محصول کنند و... اینها همه و همه نمونه جالب انحراف‌دهنده حقیقت در این دوران هستند.

در روزگاری که خرید و فروش اجناس مختلف توسط ایرانی‌ها دیگر به صورت آنلاین صورت می‌گیرد کار ساک‌پاپت‌هاست که به میدان بیایند و گزاره‌ها را به نفع سود بیشتر تغییر دهند. هر چند این اتفاق تنها به یک حرکت فردی هم محدود نمی‌شود. پیش از ما قبل از دوران کرونا؛ آمریکا فکر اینجا را هم کرده بود. سال ۲۰۱۱ گاردین گزارش داد که آمریکا طراحی کرده است که به یک شرکت کالیفرنیایی میلیون‌ها دلار پرداخت کند تا ربات‌هایی طراحی کند که مقاصد آمریکا را به زبان‌هایی مثل عربی تولید کند! توئیتری‌ها احتمالاً با این فضا و مقصدی به نام آلبانی بیشتر آشنا باشند.

آیا ما تنهاتر و تکه‌تکه‌تر شده‌ایم؟

در ابتدای متن گفته شد که پوپر معتقد بود که ما به زودی با جامعه‌ای تمام انتزاعی و فردزدایی شده مواجه خواهیم بود. آیا این اتفاقی نیست که در دوره کرونا در ایران در حال مشاهده آن هستیم؟ در این دوران ما یاد گرفتیم که شبکه جهانی اینترنت به ما اجازه می‌دهد که منابع و گونه‌های مختلف ارتباطات را بررسی کنیم و خیلی سریع علایقمان را از دل آنها استخراج کنیم. در دوره کرونا متوجه شدیم که زندگی اینترنتی آنقدر ساده است که می‌توان روی مبل لم داد و همه کارهایی که سر کار انجام می‌دادیم را همین‌جا از منزل بدون کوچک‌ترین تفاوتی صورت دهیم. یاد گرفتیم که اینترنت به ما اجازه می‌دهد که هر آنچه می‌خواهیم را زودتر از آنچه تصور می‌کنیم به دست آوریم و مهمتر از همه اینها اینترنت در دوره کرونا به ما یاد داد که دیگر لازم نیست از حبابی که دورتادورمان ساخته‌ایم خارج شویم. دیگر لازم نیست خودمان را با زندگی فیزیکی شلوغ و پرهیاهو وپردردسر بیرون از فضای مجازی آلوده کنیم. نیاز نیست همه جا با هویت واقعی مان ابراز نظر کنیم. می‌توانیم دوستانی داشته باشیم که نمی‌شناسیمشان اما با افکار و آرا ما هم نظرند و نیاز به تأیید ما را تأمین و افزون می‌کنند. و این به معنای انزوای خالص در عین قطبی‌سازی گروهی بود.

وقت بیرون آمدن آدم‌ها از خانه‌ها در دوران پساکرونا به این ترتیب ترسناک‌تر می‌شود. ما در این دوران روز به روز تکه‌تکه‌تر شدیم و گروه‌های علایق خودمان را پیدا کردیم و با همان‌ها زندگی کردیم. حالا دیگر غیرهم قبیله‌ای‌هایمان را پذیرش خواهیم کرد؟ما به تدریج به دلیل فشارهای روانی دوره کرونا به این نتیجه رسیدیم که بهتر است اکانت‌های توئیتر و اینستاگرام کسانی را دنبال کنیم که با آنها هم نظریم. توان ذرهای استرس یا فشار بیشتر را نداشتیم. و در مقابل یاد گرفتیم که همه کسانی که مانند ما فکر نمی‌کنند را نادیده بگیریم و به جای وارد بحث شدن با آنها از مقابلمان دورشان کنیم. این توصیه‌ای روانشناسی بود که هر روز در رسانه‌ها به طور متناوبی تکرار می‌شد و از ما درخواست می‌کرد که با انجام این کارها از استرس دوری کنیم و این دقیقاً همان چیزی است که قطبی سازی گروهی نام می‌گیرد. این قطبی سازی گروهی بلافاصله منجر به قطبی‌تر شدن بیشتر آدم‌ها می‌شود. آدم‌هایی که محافظه‌کارانه فکر می‌کردند با تأیید آرای محافظه کارانه‌شان توسط آدم‌ها و صفحه‌ها و شبکه‌های هم نظر، آرایشان تقویت می‌شد؛ دیدگاه‌های فردگرایانه آدم‌ها تقویت می‌شود و نهایتاً ما با جامعه‌ای با هزاران کلونی بسته مواجه خواهیم شد.

وقت بیرون آمدن آدم‌ها از خانه‌ها در دوران پساکرونا به این ترتیب ترسناک‌تر می‌شود. ما در این دوران روز به روز تکه‌تکه‌تر شدیم و گروه‌های علایق خودمان را پیدا کردیم و با همان‌ها زندگی کردیم. حالا دیگر غیرهم قبیله‌ای‌هایمان را پذیرش خواهیم کرد؟

اخبار

معرفی دوتن از بزرگ‌ترین نمایشگران بوتوی ژاپن در یک‌کتاب

کتاب «هیجی‌کاتا و اونو» نوشته سوندرا فرالی و تاما ناکامورا با ترجمه نیاز اسماعیل‌پور و علی‌رضا اسماعیل‌پور توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شد.

کتاب «هیجی‌کاتا و اونو» نوشته سوندرا فرالی و تاما ناکامورا به‌تازگی با ترجمه مشترک نیاز اسماعیل‌پور و علی‌رضا اسماعیل‌پور توسط نشر نو منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب زیرمجموعه عنوان «کتابخانه تئاتر» از مجموعه گستره خیال است که این‌ناشر چاپ می‌کند و دومین عنوان از «طلایه‌داران تئاتر امروز» است که در مجموعه نامبرده جا می‌گیرد.

دبیر مجموعه مذکور که پیش‌تر کتاب «آگوستو بوآل» از آن به چاپ رسیده، رضا کوچک‌زاده کارگردان و مترجم تئاتر است.

نسخه اصلی «هیجی‌کاتا و اونو» در سال ۲۰۰۷ توسط انتشارات راتلج در لندن چاپ شده است. این‌کتاب توسط ناشر انگلیسی در قالب یکی از عناوین مجموعه «اجراگران» (پرفورمنس پرکتیشنرز) منتشر شد که هدف از انتشار آن، آشنایی مخاطبان با شیوه و زندگی کنش‌گران کلیدی تئاتر در قرن بیستم و چگونگی تاثیرپذیری و تاثیرگذاری‌شان بر یکدیگر است.

بوتو یکی از گونه‌های نمایشی ژاپنی مانند نو، کابوکی، کیوگن، بون‌راکو و دیگر نمایش‌های شرقی و یک‌رقص است. این رقص هم از سه عنصر موسیقی، رقص و نمایش شکل گرفته است ولی ترکیب عناصرش، اصلا شبیه گونه دیگر نیست. یعنی می‌توان گفت برخی اجراهای آن مانند بوتوی دیگر نیست. این‌نمایش، بیشتر نمایشی اجرایی است تا آن‌که در بند متن باشد. بنابراین هیچ نوشتار و توضیحی، چگونگی آن را منتقل نمی‌کند. به‌همین‌دلیل در مقدمه کتاب پیش‌رو اشاره شده که کتاب نمی‌تواند مخاطب را به‌طور کامل از تجربه بوتو آگاه کند اما تلاش می‌کند تا حد امکان، فضا و موقعیت شکل‌گیری و گسترش آن را روشن کند.

این‌کتاب درباره دوتن از بزرگ‌ترین چهره‌های تاریخ بوتو یعنی تاتسومی هیجی‌کاتا و کازو اونو است. این‌دو با وجود تفاوت‌های بنیادین خود، در مسائل مهمی مشترک بودند؛ مثل کودکی نابه‌سامان، تاثیر جنگ‌های پیاپی، طولانی، ویرانی و از همه‌مهم‌تر، بیان هنری‌شان. در کتاب پیش‌رو، علاوه بر دستاوردهای دو چهره مذکور، داستان بنیان‌گذاری بوتو در ژاپن هم پیش روی مخاطب گذاشته می‌شود.

کتاب «هیجی کاتا و اونو» ۴ فصل اصلی با این‌عناوین دارد: «پدیدآوران بوتو»، «سخنان هیجی کاتا و اونو»، «رقصی برای مرگ، قربانی‌گری و معنویت» و «تجربه‌های رقص».

در قسمتی از این‌کتاب می‌خوانیم:

وقتی کازو در آگوست ۱۹۳۸ به خدمت نظام فراخوانده شد، یوشیتو ۳ سال داشت و هنگامی که بازگشت، ۹ ساله بود. این دوران وحشیانه بر روح لطیف کازو اثر گذاشته بود و احترامش را به زندگی خراش داده بود. او با رقص خویش به جهانی دیگر متصل می‌شود و در روح تماشاگر به چیزی دست می‌یابد که اجازه می‌دهد والاترین نوع عشق را درک کنند؛ چیزی که کازوی مسیحی شاید عشق الهی بنامد. این نوع عشق از جنس بخشندگی‌ست. مانند اروس به دنبال خواستن نیست، به دنبال تحقق دیگران است؛ عشق برادرانه و خواهرانه. رقص‌های کازو، بخشنده بی‌قید و شرط‌اند. تماشاگران به شیوه‌های گوناگون واکنش نشان می‌دهند؛ برخی به خاطر زندگی‌شان شکر می‌گویند، بعضی می‌گریند و در حضور او و رقصش به حس بهبودی دست می‌یابند. معنای رقص‌ها و سخنان کازو و شاعرانگی و شخصیت ایشان در هستی او گم شده‌اند. در اجرای او، روح دمادم گسترش می‌یابد.

هنوز کسانی که کازو را می‌شناسند از گوشه‌گیری او می‌گویند که گویی برای هنرش ضروری‌ست؛ گویی این فاصله هدف‌مند برای اجراگران لازم است. درباره شخصیت او بیرون از صحنه، مانند همیشه پسرش یوشیتوست که حرف نهایی را می‌زند. یوشیتو که زندگی‌اش را وقف بوتو کرده، می‌گوید که پدرش زیر ظاهر گهگاه سردش، سراپا عشق و لطافت است:

«گرمی و حساسیت کازو از جنس گوشت و خون نیست؛ نوعی عشق است که با آن به قلب مردم رسوخ می‌کند.»

این‌کتاب با ۲۵۴ صفحه مصور، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۳۸ هزار تومان منتشر شده است.

ابتکار فرهنگی کرمانی‌ها در مقابله با کرونا؛

راهنمایان گردشگری راهنمای سلامت می شوند

با شیوع ویروس کرونا و لغو تمام تورهای گردشگری، راهنمایان این‌تورها نیز بیکار شده‌اند کرمانی‌ها در یک طرح ابتکاری، بخشی از راهنمایان را به مبارزه با ویروس کرونا گماشته‌اند.

۱۲ هزار راهنمای گردشگری در کشور پس از شیوع ویروس کرونا و تعطیلی تمام دفاتر خدمات مسافرتی و توقف تورهای گردشگری بی‌کار شدند. این مدت بی‌کاری معلوم نیست تا چه‌زمانی طول بکشد. چون هنوز مشخص نیست ویروس کرونا چه‌زمانی اجازه سفر را به مردم می‌دهد و می‌توانند دوباره به سر کار خود برگردند. از طرفی بیمه بسیاری از آنها هنوز اجرایی نشده، بنابراین نمی‌توانند در این مدت از بیمه بیکاری نیز استفاده کنند.

آنها حقوق ثابتی هم ندارند که بتوانند در مدتی که بی‌کار شده‌اند، امرار معاش کنند. متأسفانه تعدادی از راهنمایان گردشگری، این‌شغل تنها راه کسب درآمد آنها بود.

از این‌رو انجمن صنفی راهنمایان گردشگری استان کرمان، مدیر کارآفرینی مرکز آینده‌نگاری و نوآوری پژوهشکده آینده‌پژوهی در سلامت دانشگاه علوم پزشکی کرمان و جامعه حرفه‌ای راهنمایان گردشگری کرمان با همکاری شهرداری شهر کرمان دست به ابتکاری زده است تا بتواند از ظرفیت و توانایی راهنمایان گردشگری بهره ببرد.

اجرای طرح «راهنمای سلامت شهروندان» با همکاری راهنمایان گردشگری اقدامی است که در روزهای آتی اجرا می‌شود. در واقع راهنمایان گردشگری در این طرح به‌عنوان راهنمای سلامت شهروندی، شهرداری کرمان را در زمینه آگاهی‌بخشی به مردم کمک می‌کنند.

در این‌زمینه محمد جهانشاهی معاون شهردار کرمان به خبرنگار مهر گفت: پس از شیوع ویروس کرونا به منظور رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی از سوی شهروندان و با توجه به شروع مرحله فاصله‌گذاری اجتماعی هوشمند، در نظر گرفته‌ایم تا از ظرفیت راهنمایان گردشگری به‌عنوان راهنمای سلامت شهروندی استفاده کنیم.

معاون شهردار کرمان ادامه داد: با شروع برخی کسب و کارها، مردم بیشتری به خیابان‌ها می‌آیند. پس باید از افرادی کمک بگیریم که بتوانند ما را در راهنمایی مردم و رعایت برخی از رفتارها و جلوگیری از رفتارهای نادرست کمک کنند. بهترین افرادی که می‌توانند در این‌طرح با ما همکاری داشته باشند؛ راهنمایان گردشگری هستند چون آنها دوره‌های لازم را برای برخورد با دیگران و انجام رفتارهای مناسب در شرایط بحران دیده اند در واقع با این کار می‌توان کمکی هم به کسب و کار آنها کرد از طرفی می‌توان به عنوان مسئولیت اجتماعی؛ کاری در حوزه گذر از شرایط بد انجام داد.

وی افزود: ما به توافق رسیده‌ایم که این‌افراد در ۱۰ نقطه از نقاط پرتردد شهر کرمان حضور داشته باشند و به‌مدت ۸ ساعت در روز آموزش‌های لازم را به مردم بدهند. این‌افراد از طرف دانشگاه نیز دوره‌های آموزشی به‌صورت آنلاین طی خواهند کرد.

رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری با بیان این‌که راهنمایان گردشگری ازسوی شهرداری حقوق روزمزد دریافت خواهند کرد، گفت: این‌طرح از اول اردیبهشت اجرایی می‌شود و ۶۰۰ تا هزار نفر شیفت با کمک حدود ۱۰۰ راهنمای گردشگری برای این طرح پیش‌بینی شده است. اکنون نیاز داریم که خلاقیت به خرج داده و از بحران کرونا عبور کنیم.

رمان زندگی شهید شاه‌آبادی چاپ می‌شود/راه‌رفتن در میدان مین

کتاب «مرغ غریب عشق» نوشته نصرالله قادری شامل رمان زندگی شهید مهدی شاه‌آبادی به‌زودی توسط انتشارات سروش چاپ می‌شود.کتاب «مرغ غریب عشق» نوشته نصرالله قادری شامل داستان زندگی شهید مهدی شاه‌آبادی به‌زودی توسط انتشارات سروش منتشر و راهی بازار نشر می‌شود.قادری نویسنده این‌کتاب با اشاره به شخصیت شهید شاه‌آبادی گفت: نوشتن درباره شهدا، خصوصاً آخوند که در نظر بنده بالاترین مقام در جهان اسلام است، راه رفتن روی میدان مین است. در این بین علاوه بر خانواده شهید باید در مقابل افراد بسیاری پاسخگو باشید. به اضافه اینکه شهید شاه‌آبادی، یک‌شخصیت منحصر به فرد و عالمی بود که زبان، ریاضیات، فقه و.... می‌دانست و زبان صریح و روشنی داشت. وی افزود: نوشتن بسیاری از حرف‌های ایشان که موظف به بیان آن بودم، دشوار بود، چرا که برخی از افراد حرف‌های ایشان را تاب نمی‌آورند و در بعضی از مقاطع نمی‌دانستم حقیقت و واقعیت بیان‌شده را چگونه بیان کنم. نویسنده کتاب «مرغ غریب عشق» در ادامه به منابع مورد استفاده در این رمان‌اشاره کرد و گفت: تحقیق و پژوهش کتاب را حدود ۴ سال پیش شروع کردم. حدود ۲ هزار صفحه مصاحبه با دوستان، آشنایان و نزدیکان شهید انجام شده بود. همچنین اسناد بسیاری از شهید، کتاب‌های درسی ایشان، سخنرانی‌ها، کتاب‌های چاپ شده در خصوص شهید و .... وجود داشت که با کنار هم گذاشتن همه این‌منابع اطلاعات کامل شد و شروع به نوشتن کردم. این‌نویسنده در ادامه گفت: با وجود این‌اطلاعات، رمانی که در آن تخیل دخیل است، نوشته شده و تمام روایت‌ها از زبان خود شهید در یک بیداری که به خواب رفته، و از جزیره مجنون و در لحظه شهادت شروع و تا تولد بیان می‌شود. در واقع تمام‌لحظات زندگی، عشقی که شهید به «یوما»، مادر خود دارد، ازدواج، درس و.... را در بر می‌گیرد. همه‌ای اینها بر اساس و بنیان تصویر پیش رفته و قابلیت ساخت فیلم را نیز دارد. «مرغ غریب عشق» نوع خاصی از رمان را ارائه می‌کن. در این‌رمان عکس، دست خط، تصاویر، اسناد و... به چشم می‌خورد. این‌نوع از رمان شکل جدیدی است که در دهه اخیر در اروپا و آمریکا مورد استفاده قرار گرفته است. زمانی که با یک اندیشمند و فیلسوف مواجه هستید، این‌نوع رمان برای بیان اندیشه‌های آن بهترین قالب است.

آگهی تغییرات شرکت رول آرت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۵۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۱۰۵۱۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷.۰۵.۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت سامان پندار حسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۵۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و کریم گلباغی باغچه به شماره ملی ۳۷۶۱۳۱۲۹۷۰ به سمت بازرس علی البدل برای مدت ۱ سال مالی انتخاب شدند.
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۲۰۹۸۲)

آگهی تغییرات شرکت مواد غذائی ناب نوین سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۱۷۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۸۶۴۱۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۶.۰۸.۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : آقایان محمود زرین کمر با کد ملی۰۰۳۲۹۱۷۶۰۰ و امیر هوشنگ زرین کمر با کد ملی ۰۰۳۲۸۸۲۷۴۲ و رضا رضاقلیزاده با کد ملی ۰۰۴۸۲۵۳۲۳۵ و خانم ناهید اکبری مقدم باکد ملی ۰۰۵۲۷۰۳۰۸۸ وخانم شهناز اکبری مقدم با کد ملی ۰۰۵۲۳۹۳۴۷۱ به سمت اعضا هیئت مدیره به مدت دو سال انتخاب شدند علیرضا کریم نیا کد ملی ۰۰۶۵۹۸۱۵۶۱ به سمت بازرس اصلی و آقای بختیار اکنده کد ملی ۲۶۶۹۸۲۵۰۲۸ به سمت بازرس علی البدل به مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۲۰۹۸۳)

آگهی تغییرات شرکت دی تجهیز آرما با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۲۷۸۴۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۰۸۱۰۸ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸.۱۲.۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : جمشید شاه حسینی به شماره ملی ۴۶۰۹۷۰۹۶۸۶ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و پویان شاه حسینی به شماره ملی ۰۰۱۳۴۲۰۲۸۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و پریچهر شاه حسینی به شماره ملی ۰۰۱۵۳۲۶۸۶۱ به سمت عضو هیئت مدیره (خارج از شرکا) برای مدت نامحدود انتخاب گردیدند. امضا کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک سفته بروات و با امضا و قرارداد ها و عقود اسلامی و اوراق عادی و اداری با امضا مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۲۰۹۸۴)

آگهی تغییرات شرکت آسمان ترابر ایرانیان شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۳۹۵۶۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۴۹۳۹۸۰ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸.۰۸.۰۱ و مجوز شماره ۱۱۰۶۵۵۷۹ مورخ ۱۳۹۸.۱۱.۲۱ اداره کل حمل و نقل و پایانه های استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد : خانم راضیه مقدسی به شماره ملی ۱۵۸۲۲۳۴۹۰۶ به عنوان رییس هیئت مدیره و خانم رقیه رخ فروز به شماره ملی ۲۶۶۹۶۷۶۴۹۹ مدیرعامل عضو هیئت مدیره برای مدت نامحدود انتخاب شدند.و امضای کلیه اوراق و اسناد تعهد آور وبهادار و تعهد آور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات وقراردادها وعقود اسلامی با امضا مدیرعامل و رییس هیات مدیره متفقا همراه بامهرشرکت واوراق عادی واداری با امضا مدیرعامل یا رییس هیات مدیره هریک بتنهایی همراه بامهرشرکت و امضا اسناد کارنه تیر و اظهاریه قرارداد تیر با امضا مدیرعامل بتنهایی همراه با مهرشرکت معتبر می باشد
سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۲۰۹۸۵)

آگهی تغییرات شرکت آسمان ترابر ایرانیان شرکت با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۳۹۵۶۲ و شنا